

## مکاتیب تاریخی

مکتوب مرحوم ادوارد براون بمرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی  
و جواب آن

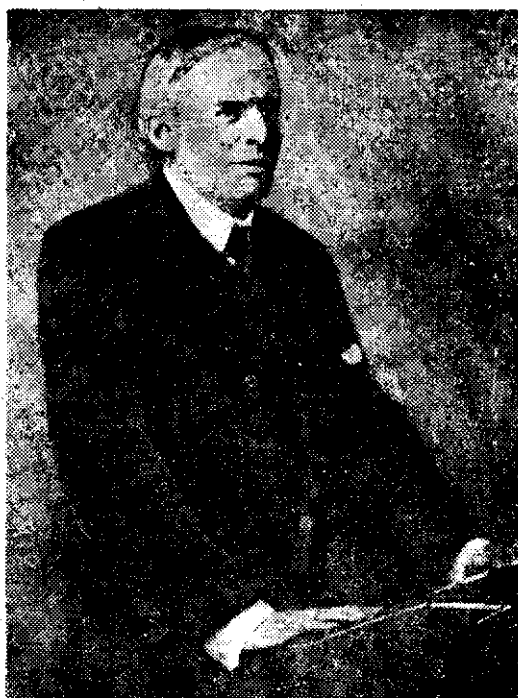
دو مکتوب ذیل که سواد آنها در اینجا نقل میشود در سال ۱۳۲۹ قمری بین  
مرحوم ادوارد براون مستشرق نامی انگلیسی (۱۸۶۲ - ۱۹۲۶ میلادی) و مرحوم  
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ هجری قمری) که مساعی هر  
دو در استقرار مشروطیت ایران حاجت بیاد آوری ندارد مبادله گردیده. اصل این  
دو مکتوب در ضمن مجموعه‌ای از خطوط مشاهیر در تصرف جناب آقای دکتر قاسم  
غنی است. مکتوب مرحوم براون بخط شخصی اوست ولی جواب مرحوم آخوند  
بخط میرزا عبدالرسول یزدی است که پای آنرا آخوند امضا کرده.

عنوان نامه ای که مرحوم براون بنجف فرستاده این است :

«محرمانه، در نجف اشرف بتوسط آقای میرزا عبدالرسول یزدی خدمت ذی  
شرافت حضرت حجة الله آقای ملا محمد کاظم خراسانی شرف افتتاح و اقتران یابده.  
این است سواد نامه مرحوم ادوارد براون که بدون هیچگونه تصرفی در  
املاء و انشاء آن عیناً نقل میشود :

« ۲۷ جمادی الاول سنة ۱۳۲۹ از دارالفنون کمبریج در ممالک محروسه  
انگلستان عرض شد.

حجة الاسلاما تعلیقه کریمه که چند ماه قبل از این در جواب عریضه که بجهت  
اظهار بعضی ملاحظات در حق سیاست دولتین انگلیس و روس نسبت بایران بسرافرازی  
این کمیته خیر خواه ایران مرقوم فرموده بودند و وصول آنرا با قاع عبدالرسول  
یزدی نوشتم ولی چون نمی خواستم بجهت مزاحم اوقات خجسته آن بزرگوار  
گرم لهدا تن زده سکوت ورزیدم تا این ایام که زیارت رقیمة دیگر از آن جناب  
کسب شرف و افتخار نمودم و چون در آن فرموده بودند که گاه گاهی عریضه بنویسم



مرحوم ادوارد براون مستشرق مشهور انگلیسی

لهذا امتثالاً امر کم العالی بتسطیر این کلمات جسارت نمودم ، اولاً بر خود واجب می دانم که آن حضرت را تنهت کنم از حسن تدبیری که بی شک و شبهه باعث نجات فارس و طرف جنوبی ایران از مداخله اجانب شد . چرا که بعد از آن تهدید نامه خاطر پریش سه ماه نه بلکه هفت ماه مرور کرد و باعتراف همه حال اغتشاش که بر فارس خصوصاً و بر سایر ولایت‌های جنوبی عموماً غالب بود خیلی زائل شد و نعمت امنیت و آرام حاصل شد و سخن مداخله قطع گردید ، دیگر اقداماتی که آن حضرت و سایر علماء کبار فرموده بودند سبب شد که جمیع مسلمانان و خصوصاً مسلمانان هند در مقام شکایت و دادخواهی بر آمدند حتی در خود لندن و معلوم همه شد که بقول شیخ سعدی

چو عضوی بدرد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار

و چون حکومت اینجا خیلی طالب محبت و میل مسلمانان هندوستان است

این هم سبب شد که از خیال اوّل خودشان برگشتند، ولی با وجود این ترقی بهیچ وجه غفلت نباید ورزید، که از قراریکه مسافرین و مخبرین خبر میدهند مناسبات فیما بین قبایل جنوب خصوصاً فیما بین بختیارها و قاشقائها (کذا) خوب نیست و خصومتی و رقابتی که اینها با هم دارند دارای خطر عظیم است از برای مصالح دولت علیه ایران و بقول تقریر رسمی که درین اواخر از طرف حکومت انگلیس چاپ و منتشر گردید و محض اطلاع ساکنین آن صحن اقدس نسخه از آن بعنوان آقا عبدالرسول یزدی فرستاده خواهد شد قبیله که بیش از همه غارتگروفتنه انگیز است قبیله کوه گیلویه است خصوصاً شعبه از آن که به احمد بویر مسمی است و پر واضح است که هرگاه قوافل تجار غارت شود خصوصاً اگر آدم هم کشته شود تجار داد و فریاد میزنند و شکایت پیش حکومت می برند و طالب مداخله میگردند ولی اگر چنین بهانه نباشد نمی توانند بهانه از برای مداخله پیدا بکنند و بنظر بنده خود حکومت اینجا چون مشغول اصلاحات داخلی است نمی خواهد متعرض چنین کار پر خطری شود مگر آنکه الحاح تجار او را مجبور بکند اگر چه همیشه اشخاص مقتدری هستند که محض اغراض شخصیه و حب جاه و مال و قوت و شهرت مثل چنگیز خان و تیمور و سایر سلاطین قهرمان طالب استیلا و تعرض میباشند و متصل پی بهانه میگردند چنانچه سبب اصلی در استیلای مغولها و تاتارها بر ایران در قرن هفتم که آن همه شرارت و خیمه بر آن مترتب گردید کشته شدن بعضی تجار مغول بدست خوارزمشاه بود، پس خیلی لازم است جهال قبایل ایران چنین بهانه بدست اجانب ندهند و بفهمند که در صورتیکه قطع الطریق و دزدی همیشه مذموم و قبیح است در چنین موقع نازکی که ایران افتاده است نوعی از خیانت بوطن باشد، حالا که معلوم و مبرهن شد که کلام حضرات آیات الله چه نفوذی دارد حتی در قلوب این قبایل متهور خودسر امید چنان است که بهیچ وجهی از وجوه ازین کلام خیر انجام ساکت نباشند و متصل بصیحت این ایلات اشتغال فرمایند تا کم کم بفهمند که قوتشان و ناموسشان در اتحاد و انقیادست نه در مردم آزاری و افساد.

درین روزها چند تا کاغذ از ایران چه از ایرانیها چه از انگلیسها رسیده

است و يك مسافری امروز از تبریز آمد يك مؤدۀ كه آورد این بود كه عدد قشون روس در تبریز تقلیل شده است حتی گفت كه اگر چه حسابی درست ممكن نیست بخیال خودش بیشتر از سیصد یا چهارصد سرباز روس در آنجا نمانده است و دیگر گفت كه عمارتهائی كه در قزوین از برای خودشان ساخته بودند آنها را تخریب كرده چوبها و سنگها را فروخته اند، از قراریکه همه می نویسند والا حضرت نائب السلطنه با كمال حكمت و مدارا رفتار می كند ولی یکی از مخبرین انگلیسی كه خیلی ایران دوست است و خوب بر بواطن امور واقف است خیلی اظهار تأسف می كند كه اشخاصی مستعد و وطن پرست و عاقل و مجرب كه اگر عیبی دارند منحصرست بتندروی كه آن هم از كشرت حب الوطن و تنفر از مدارا با اهل ظلم ناشی است خارج از كارها باشند خصوصاً جناب میرزا حسین قلی خان نواب كه سابقاً وزیر امور خارجه بود تا بواسطۀ مقاومت با روسها و شجاعتی كه رو بروی آنها بخرج داده بود آخر مجبور شد استعفا بكنند ۱ و مخبر روزنامۀ تیمس مجرمانه بمخلص نوشته بود كه در شجاعت و همت و كار كنی و درست گوئی و درست كاری عدیم المثال بود حیف كه چنین شخصی از اجزاء حكومت نباشد ولی مطمح بغض و استكراه دولت شمالی گردید و اینها در زوال او كوشیدند.

عرض دیگری كه اگر جسارت نباشد میخواستم عرض بكنم اینست كه درین اواخر دو كاغد داشتم از آقای سید حسن تقی زاده كه حالا در اسلامبول منزوی بلكه منفی است و چون در مدتی كه اینجا بود خیلی آشنا بودیم و كمال صدق و درست كاری او را بپراهین قاطعه و دلایل ساطعه ثابت كردم و بعد مسموع شد كه قدری تند روی می كند حتی در افواه افتاد كه تكفیر شده است اگر چه بعد معلوم شد كه این خبر اصلی ندارد باری محض آن دوستی كه در میان ما بود بایشان نوشتم كه تند روی نكنند و خصوصاً بقدر مقدور حضرات آیات الله را تقویت بنمایند كه امید ایران بل امید اسلام در ایشان مر كوزست و این همه فدا كاریها در راه حب الوطن كرده اند چنانچه همه چه در ایران و چه در خارج از ایران می دانند، در جواب نوشتند كه: «در اطاعت و اجابت هر نوع نصایح خالصانه عالی با جان و دل حاضر

و مستدعیم که مثل یک معلم شفیق آنچه بغاطر شریف میرسد بدون هیچ ملاحظه بمخلص بنویسید که خدا شاهد است که با کمال خلوص از آنها استفاده می کنم و باز



مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی

خدا شاهد است که هیچ گناهی عملاً نکرده ام و اگر خطائی از من سر زده که خودم با همه نوع دقت ملتفت نشده و نمی شوم خلوص نیت خود را که فقط دارائی من در عالم است کفاره آن قرار میدهم و از خداوند میخواهم که مصائب ایران را کم کرده بر بلاهای شخصی من بیفزاید و با بد بختی ابدی من نجات ایران را فراهم نماید.

حالا شخصی که اینقدر جویای بهبودی وطن خود باشد ولو خودش در میان هلاک و مضمحل شود آیا جای افسوس نیست که چنین در گوشه عزلت افتاده باشد. امشب چون خیلی دیر شده است بیش ازین زحمت نمی دهم، همیشه منتظر فرمایشات و دعا گوی دوام بقای شریف آن وجود مسعود بوده وهستم.

کمترین خیر خواهان ایران ادوارد برون انگلیسی

سواد جواب مرحوم آخوند خراسانی :

۳ رجب ۱۳۲۹ نجف

کامبریح حضرت العالم الفاضل دکتور ادوارد برون دامت افاضاته و فضائله مقام ریاست روحانی مسلمین جعفری خاطر آنجناب را مسبوق مینماید.

رقیمه کریمه آن جناب فخامت نصاب را با یک خوشوقتی کاملی مطالعه کرده بر تمام مطالبش مطلع شدم نصایح مشفقانه و ارشادات خالصانه را با یک توجه مخصوص استقبال کرده ملاحظه آنها را باعث عواطف مفرحه و ارتیاح حسنی باطنیه خودم تصور نمودم سفارش و تشویق بعشایر و ایلات و سایر طبقات در حفظ امنیت و سد راه بهانه متجاوزین دائماً با تلکرافات و مکتوبات شده و میشود و با اینکه عاملهای استبداد و ارتجاع با تحریکات خارجی بدون تقویت وقت دقیقه در جهالت عنصر غالب کار میکنند اوضاع فعلی اطمینان بخش هستند تا بعد چه ظاهر شود.

از بابت وزیر خارجه سابق آقای حسینقلی خان نواب و آقای تقی زاده ۱ و سایر دوستان صمیمی ایران ریاست روحانی کاملاً مطلع است و خیرخواهی و خدمات آنها را مسبوق است اما بدبختانه این تغییرات لازمه قهری زمان ثوره و انقلاب است بواسطه آنکه خادم خیلی زود با خائن مشتبّه میشود مقام روحانیت هم که مداخله در این جزئیات را در عهده ندارد مع ذلك امید است که بزودی تمام امورات تدارک شده کارها باشخاص لایق سپرده شوند.

حالا حسیات صمیمانه خودم را تکرار کرده و بهمین قدر اکتفا مینمایم.  
« محمد کاظم الخراسانی »

۱ - پس از آنکه در تاریخ نهم رجب ۱۳۲۸ مرحوم سید عبدالله بهبهانی در طهران بقتل رسید يك عده از هنگامه جوانان و رؤسای حزب اعتدال که با دموکراتها دشمنی داشتند این قتل را بشهر يك دموکراتها و آقای تقی زاده که لیدر ایشان بود دانستند و این بیت در آن ایام بسیار مشهور شده بود که :

تقی زاده گفت و شقی زاده کشت  
کسی را که اسلام را بود پشت  
بر اثر تحریکات آن جماعت مخالف بازارهای طهران بسته شد و جماعتی از ایشان تکفیر و تیمید آقای تقی زاده را خواستند و آقای تقی زاده گرفتار این مشکل بود تا حزب دموکرات بتوسط مرحوم سید محمد رضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات موفق شد که از حوزه علمیه نجف تبرئه آهای تقی زاده را تحصیل نماید. با این حال تقی زاده صلاح خود و صلاح حزب دموکرات را در ترک ایران دید و مرحوم سلیمان میرزا محسن را بجای خود بلیدری حزب دموکرات مدین کرد و عازم اسلامبول گردید.

محرمانه

در نجف اشرف بتوسط آقای میرزا عبد الرسول یزدی  
خدمت ذی شرافت حضرت حجة الله آقای ملا محمد کاظم خراسانی  
شرف افتتاح واقفان بایه

---

## عریضه

۲۷ جمادی الاول سنه ۱۳۲۹ از دارالافتون بمبئی در سالک مرید  
انگلستان عرض شد

حجت الاسلاما تعلیقہ کریمہ کہ چند ماہ قبل ازین در جواب  
عریضہ کہ بجهت اظہار بعضی ملاحظات در حق سیاست دولتی انگلیس  
و روس نسبت با ایران بسر افزای این کمینہ خیرخواہ ایران مرقوم فرمودہ بودند  
و وصول آنرا باقا عبد الرسول یزدی نوشتہ ولی چون نمی خواستیم بجهت مزاحم  
اوقات نجستہ آن بزرگوار گردد لهذا تن زده سکوت ورزیدیم تا این اناج کہ  
بزیارت رفیقہ دیگر از آن جناب کسب شرف و افتخار نمودیم و چون در آن فرمودہ  
بودند کہ گاہ گاہ عریضہ بنویسیم لهذا امتثالاً لامرکم العالی بتسطیر این  
کلمات جبارت نمودیم، اولاً بر خود واجب می دانم کہ آنحضرت را تہفیت بکنم  
از حسن تدبیری کہ بی شک و شبہہ باعث نجات فارس و طرف جنوبی ایران  
از مداخلہ اجانب شد چرا کہ بعد از آن تہدیدنامہ خاطر پریش سه ماہ  
نہ بلکه ہفت ماہ سرور کرد و باعث رف ہمہ حال اغتشاش کہ بر فارس  
خصوصاً و بر سایر ولایتہای جنوبی عموماً غالب بود خیلی زائل شد و نسبت  
امنیت و آرام حاصل شد و سخن مداخلہ قطع گردید، دیگر اقداماتی کہ آن  
حضرت و سایر علماء کبار فرمودہ بودند سبب شد کہ جمیع مسلمانان و خصوصاً  
مسلمانان ہند در مقام شکایت و دادخواہی بر آمدند حتی در خود لندن  
و معلوم ہمہ شد کہ بقول شیخ سعدی -

چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضوہا را نماند قرار،

و چون حکومت اینجا خیلی طالب محبت و میل مسلمانان ہندوستان است این  
هم سبب شد کہ از خیال اول خودشان برگشتند، ولی با وجود این ترقی  
بہیچ وجہ غفلت نباید ورزید کہ از قراریکہ مسافری و مخبری خیر میدہند  
مناسبات فیما بین قبائل جنوب خصوصاً فیما بین پنجتاریہا و قاشقائیہا  
خوب نیست و خصومتی و رقابتی کہ اینہا با ہم دارند دارای خطر عظیم است  
از برای مصالح دولت علیہ ایران و بقول تقریر رسمی کہ درین این اواخر  
از طرف حکومت انگلیس چاپ و منتشر گردید و محض اطلاع ساکنین آن سخن  
اقدس نسخہ از آن بعنوان آقا عبد الرسول یزدی فرستادہ خواہد شد قبیلہ کہ  
بیش از ہمہ غارتگر و فتنہ انگیزت قبیلہ کوه گیلوبہ است خصوصاً شعبہ

از آن که به اجازت رسید و بر واضح است که هرگاه قوافل تجار غارت  
 شود خصوصاً اگر آدم هم کشته بشود تجار داد و فریاد میزنند و شکایت پیش  
 حکومت می برند و طالب مداخله میگردند ولی اگر چنین بهانه نباشد  
 نمی توانند بهانه از برای مداخله پیدا بکنند و بنظر بنده خود حکومت  
 اینجا چون مشغول اصلاحات داخلی است نمی خواهد متعرض چنین کاری  
 بر خطری بشود مگر آنکه المحاج تجار او را مجبور بکند اگر چه همیشه اشخاص  
 مقتدری هستند که محض اغراض شخصی و حب جاه و مال و قوت و شهرت  
 مثل چنگیز خان و تیمور و سایر سلاطین قهرمان طالب استیلا و تعرض  
 میباشند و متصل بی بهانه میگردند چنانچه سبب اصلی در استیلا  
 مغولها و تاتارها بر ایران در قرن هفتم که آن هم نمرات و خیمه بر آن  
 مترتب گردید کشته شدن بعضی تجار مغول بدست خوارزمشاه بود، پس خیلی  
 لازم است چنانچه قبائل ایران چنین بهانه بدست اجانب ندهند و بفهمند  
 که در صورتیکه قطع الطریق و زدنی همیشه مذموم و قبیح است در چنین  
 موقع نازکی که ایران افتاده است نوعی از خیانت بوطن باشد، حالا که  
 معلوم و مبرهن شد که کلام حضرات آیات الله چه نفوذی دارد حتی در  
 قلوب این قبائل متهور خودسر امید خنان است که بهیچ وجهی از وجوه  
 از بی کلام خیر انجام نماند و متصل بنصیحت این ایلات اشتغال  
 فرمایند تا کم کم بفهمند که قوتشان و ناموسشان در اتحاد و انقیادست  
 نه در مردم آزاری و افساد،

درین روزها چندتا کاغذ از ایران چه از ایرانیها چه از انگلیسیها رسید  
 است و یک مسافری امروز از تبریز آمد یک مژده که آورد این بود که عدد قشون  
 روس در تبریز تقلیل شده است حتی گفت که اگر چه حسابی درست نمکی نیست بخنال  
 خودش بیشتر از سیصد یا چهار صد سرباز روس در آنجا ماندند و دیگر گفت  
 که عمارت هائی که در قزوین از برای خودشان ساخته بودند آنها را تخریب کرده چوبهارا  
 و سنگهارا فروخته اند، از فراریکه هم می نویسند والا حضرت نائب السلطنه  
 با کمال حکمت و مدارا رفتار می کند ولی یکی از مخبرین انگلیسی که خیلی ایران دوست  
 است و خوب بر بواطن امور واقف است خیلی اظهار تأسف می کند که اشخاصی  
 مستعد و وطن پرست و عاقل و محرب که اگر عیبی دارند منحصرت بتندر و  
 که آن هم از کثرت حب الوطن و تنفر از مدارا با اهل ظلم ناشی است خارج

از کار باشند خصوصاً جناب میرزا حسین علی خان نواب...  
 امور خارجه بود تا بواسطه مقاومت با روسها و شجاعتی که در بروی آنها  
 بجمع راده بود آخر مجبور شد استعفا بکند و مخبر روزنامه تمس محرمانه  
 بچهل نوشته بود که در شجاعت و همت و کارگویی و درست گویی و درست  
 کاری عدیم المثال بود ، حیف که چنین شخصی از اجزاء حکومت نباشد ولی  
 مطمح بغض و استکراه دولت شمالی گردید و اینها در زوال او کوشیدند ،  
 عرضی دیگر که اگر جبارت نباشد میخواستم عرض بکنم اینست که درین اواخر  
 دو کاغذ داشتم از آقای سید حسن تقی زاده که حالا در اسلامبول منزوی بل  
 منفی است و چون در مدتی که اینجا بود خلد آشنا بودیم و کمال صدق و درست  
 کاری او را بپراهمین قاطعه و دلایل باطعه ثابت کردم و بعد مسموع شد که قدری  
 تندروی می کند حتی در افواه افتاد که تکفیر شده است اگرچه بعد معلوم شد که  
 این خبر اصلی ندارد باری محض آن دوستی که در میان بود باینان نوشتیم که  
 تندروی نکنند و خصوصاً بقدر مقدر در حضرات آیت الله را تقویت بنمایند  
 که امید ایران بل امید اسلام در اینان مرکوز است و این همه فدا کاریها  
 در راه حب الوطن کرده اند چنانچه همه چه در ایران چه خارج از ایران می دانند  
 در جواب نوشتند که - " در اطاعت و اجابت هر نوع نصایح خالصانه عالی  
 با جان و دل حاضریم و مستعدیم که مثل یک معلم شفیع آنچه بخاطر  
 شریف میرسد بدون هیچ ملاحظه بچهل بنویسد که خدا شاهد است که با  
 کمال خلوص از آنها استفاده می کنیم و باز خدا شاهد است که هیچ گناهی  
 عمداً نکرده ایم و اگر خطائی از من سر زده که خودم با همه نوع دقت ملتفت  
 نشدم و نمی شوم خلوص نیت خود را که فقط دارائی من در عالم است کفاره  
 آن قرار میدهم و از خداوند میخواهم که مصائب ایران را کم کرده بر بلایای  
 شخصی من بیفزاید و با بد بختی ابدی من نجات ایران را فراهم نماید -"  
 انتهی کلامه ، حالا شخص که اینقدر جویای بهبودی وطن خود باشد ولو  
 خودش در میان هلاک و مضحک شود آیا جای افسوس نیست که چنین در گوشت  
 عزت افتاده باشد ؟

امتب چون خلد دیر شده است بیس ازین رحمت نمی دهم ، همیشه منتظر  
 فرمایشات و دعاگوی دوام بقای شریف آن وجود مسعود بوده وهستم

کمترین خیر فراهان ایران

ادوارد برون انگلیسی

Edward G. Browne, Pembroke College, Cambridge, England.  
 (May 27, 1911) -

حضرت امام العاصم و کتبه ادوارد برون در این خانه و

تقام ریاست روحانی مسیحی حضرت نجف طباطبائی را مسبقاً  
رقیمه کریمه آن صاحب رسالت را با این خوشنویسی کما علی مطالعه کرده و در تمام  
مطالع شده مضامین شگفتانگه و ارشادات خالصانه را با یک توجیه مخصوص انتقال کرده  
ملاحظه این را بعین عواطف موقر و ارباب حیات باطنیه خود تصور نمود  
سفاش و توثیق نه عشیر و ابدیت و بر طبقات در حفظ امنیت و سوره  
متجاووزی را با مالکات و ملکوبات شده و با آنکه با علمای استنباط  
در شرح با تحریکات شریعی بدون تنویح وقت در حقیقت عنصر عالی

کار سکنه اوضاع فعلی اطمینان بخش است تا بعد چه ظاهر شود  
از بابت وزیر خارجه سابق آقای حسینقلی خان نواب و آقای معنی زاده و سایر  
دوستان همیگی ایران ریاست روحانی کامل است و خیر خواهی و خدمت  
از این را مسبقاً است اما بدینجهت این تغییرات لازمه قهری زمان نبوده  
و انقلاب است بواسطه آنکه خاتم جنبی زود ما خاستی تشبیه شود مقام او عالی  
هم که ماضی در این خونیات را در عهده نذارد مع ذلک امید است که بزودی  
تمام امورات تدارک شده کار ما شایسته لایق برده شوند -  
حادث حیات میماند خود را تکرار کرده و بهین تدرک کشف ملایم و لایق از رخ